

امیرعلی گفته بود که پیکری با یک تنوروی دستش پیدا شده، اما آن بدن پیچیده در کاور سیاه هم امیرعلی نبود. پدرش پرسیده بودند: «پس پسر من کجاست؟» او جوابش را حوالی عصر همان روز گرفت؛ وقتی که بیل‌های خاکبرداری به در جنوبی اوین رسیدند.

موشک‌ها پشت آن در-همان که امیرعلی بارها رویه‌روی آن ایستاد و با دوستان و خانواده‌اش عکس یادگاری انداخت-یک مخروط شاید ۱۵ متری ساخته بودند؛ امیرعلی، ماهان و علی شش، هفت‌متر تا آن گودی فاصله داشتند و پیکر آنها درست رویه‌روی در دژپایی روی زمین افتاده بود و «اگر جفندیانه فرصت داشتند، شاید می توانستند خودشان را به آنجا برسانند.» امیر مهدی در همان پرسه‌های قبل از پیدا کردن پیکر سربرازها، زنی را دیده بود که با نور گوشی دنبال خواهرش می‌گشت، او خواهر هاجر محمدی بود که حالا به فاصله سه‌قبر از امیر علی به خاک سپرده شده. دوستان و خانواده امیرعلی دوم تیرماه، حوالی ظهر بعد از تماس‌های تلفنی پشت‌سر هم، مطمئن شدند باید خودشان را به زندان اوین برسانند. ظهر آن‌روز حوالی زندان، خانواده‌ها به آوارهای باقی‌مانده از موشک خیره شده بودند و به‌دنبال نشانه‌ای از فرزندان، خواهران و همسران‌شان می‌گشتند. امیر مهدی آن‌روز خودش را به راهروی پشت آسایشگاه سربرازها می‌رساند و جنازه‌های پیچیده در کاور را می‌بیند که ماشین اوزانس آنها را با خود می‌برد. نیمی از آسایشگاه خراب شده ونیمی از آن سالم مانده بود. خانواده‌ها و دوستانش تا نیمه‌های شب، حدود سه‌صبح، اطراف زندان می‌مانند تا شاید نشانه‌ای از او پیدا شود. سه، چهار پیکر دیگر تا همان حوالی از زیر آوار بیرون کشیده می‌شود و آخرین تن نیمه‌جان ولی زنده‌ای که بیرون کشیده شد، سربازی به‌نام آرش بود.

«امیرعلی شهیدشده اماخودم نمی‌خواهم‌باور کنم.» پدر امیرعلی این را همان ساعت‌ها گفته بود، وقتی که همه از زنده پیدا کردن پسرش ناامید شده بودند. امیرمهدی از آن شب طولانی می‌گوید: وقتی که نزدیک به ساعت سهصبح «آنگهان بی‌سیم زندک که وضعیت اضطراری است و احتمال حمله هوایی وجود دارد. همه فرار کردند و رفتند، هیچ‌کس آنجا نماند. آمدم در انبوهان و صبر کردم. نیم‌ساعت گذشت و وقتی دوباره برگشتم نزدیک زندان، دیدیم که اتوبوس‌های سربازان ستاد زندان‌ها رسیده‌اند. حداقل ۱۰۰ سرباز آمده بودند که باقی زندانیان را تخلیه کنند. تا آن موقع هنوز تخلیه‌نکرده بودند. تا قبل از آن یک اتوبوس می‌آمد اما آن موقع تعدادش بیشتر بود.»

تا ساعت ۴:۳۰ صبح روز بعد از حمله به زندان، تخلیه‌زندانیان ادامه داشت و تا همان ساعت‌ها همه خانواده‌فصلی و دوستان امیرعلی به بیمارستان‌هایی که احتمال داشت پیکرش به آن منتقل شده باشد، سرزدندو هیچ‌نشانه‌ای ندیدند. یک‌نفر برای دلخوشی‌شان گفته بود که او به بیمارستان بقیه‌الله منتقل شده و سربازی در مان شده است، اما این فقط یک دلخوشی ساده بود.

▼ به دنبال پیکر برادر

چندساعت بعد از حمله، مادر، پدر، دایی و دوستانش همه بیمارستان‌های تهران را برای پیدا کردن یک نشان از امیرعلی جست‌وجو می‌کنند اما هیچ اسمی در این لیست‌های طولانی نبود. علی جان‌نثاری، رفیق ۱۲ ساله امیرعلی، یکی از همان دوستانی بود که آن شب بیمارستان به بیمارستان دنبال نشانی از او می‌گشت. شب قبل از حمله خواب دیده بود یک هواپیمای از باند فرودگاه پرواز کرد و رفت. توی خواب پرسیده بود: «آسمان که بسته است، هواپیمای کجا بلند شد؟» از خواب که می‌پرد، از تلویزیون خبر حمله را می‌شنود، به

دوستی‌زنگ می‌زندو این پاسخ را می‌شنود: «چیزی نیست، امیرعلی از پس خودش برمی‌آید، برمی‌گردد و خاطره‌اش را تعریف می‌کند.» نام امیرعلی در لیست هیچ بیمارستانی نبود: «در هر بیمارستانی حدود ۵۰ اسم در لیست مجروحان بود. یکسری مجروح شده بودند و یکسری شهید. اگر نامی از آنها می‌پرسیدی، نمی‌گفتند شهید شده، فقط می‌گفتند توی لیست هست یا نه؟ آنقدر خوش‌خنده و پر از آرزو بود، تا چندروز هرکسی که زنگ می‌زد، می‌گفت نمی‌تواند باور کند که او رفته است.» یک‌نفر به او گفته بود، امیرعلی و دوستانش سرشیفت‌شان بودند و به احتمال ۹۰ درصد شهید شده‌اند. او هم آن‌شب را کنار خرابه‌های اوین می‌گزراند و همانجا می‌شنود آن سه نفر- امیرعلی، ماهان و علی- هرکجا باشند، کنار هم‌اند. خاکبرداری از سمت راست در ورودی زندان اوین، تا ساعت سه‌صبح ادامه داشت. بعد از یک وقفه کوتاه بابت همان هشدار حمله شب آخر، شبی که تهران تا صبح بیدار ماند- آواربرداری دوباره از همین نقطه شروع می‌شود و دیگر هیچ پیکر زنده‌ای بیرون کشیده نمی‌شود. حوالی عصر بیل مکانیکی به سمت در جنوبی زندان اوین حرکت کرد و کم‌کم پیکرهای باقی‌مانده آن قسمت از زیر خاک بیرون کشیده شد.

علی نمی‌دانست قرار است تعداد شهدای اوین به عدد ۷۹ نفر برسد. تا آن‌روز فقط شنیده بود تعداد همه شهدا ۷۱ نفر اعلام شده، ولی نمی‌توانست باور کند چون چشم‌هایشان چیزهای دیگری دیده بود؛ چون «هم دژپایی را زده بود، هم ساختمان اداری و هم در شمالی. در شمالی فقط دو سرباز روی بر جک ایستاده بودند که در جاشهید می‌شوند.» قوه‌قضائیه سه‌شنبه هفته گذشته تعداد نهایی شهدای حمله به زندان اوین را ۷۹ نفر اعلام کرد.

یک‌هفته بعد دوم تیرماه، یکی از سربازهایی که زنده از زیر آوارها بیرون آمده بود، برای سرسلامتی و تسلیت به خانه امیرعلی می‌رود. پایش آسیب دیده بود و هنوز موج انفجار رهایش نکرده بود. «انگار تعادل نداشتم.» علی جان‌نثاری این را همان‌طور که کنار مزار امیرعلی نشسته تعریف می‌کند، سنگ روی قبرش از گل پوشیده شده.

سرباز بازمانده از حمله به اوین برای خانواده امیرعلی تعریف کرده بود که آن‌روز در تخت پایین خوابیده بود و وقتی صدای موشک اول را می‌شنود، خودش را به زیر تخت می‌رساند و بعد صدای مدام انفجارها شروع می‌شود. همه سربازهایی که طبقات بالای تخت‌ها بودند، زیر آوار می‌مانند. بعد که امدادگرها اورا از زیر یک تخت دوطبقه و تکه‌هایی از ساختمان بیرون می‌کشند، چندساعت بیرون از محوطه نگه داشته می‌شود. او به خانواده امیرعلی گفته بود آنها بی که نجات داده شدند، نمی‌خواستند از آنجا بیروند؛ «چون خیلی هارزنده آن توانمده بودند.»

▼ آخرین سفر

«آن دوروز مثل صحرای کربلا بود. هیچ‌کس حرف آن یکی را قبول نداشت. از آن آواری که آنجا دیدیم خیلی شهید بیرون آوردند. همان زمانی که ما آنجا ۱۲:۳۰ شب آخرین فرزند زنده، یک سرباز بود که او را زیر آوار بیرون کشیدند. سربازی که نام‌اش آرش بود. بعد تا ساعت سه‌صبح آنجا بودیم.» هانی، یکی دیگر از دوستان امیرعلی هم آن‌روز خودش را به زندان می‌ساند و تا ساعت سه‌صبح کنار آوارها بالا و پایین می‌روند. یک‌هفته قبل از جنگ، آخرین سفر را با هم رفته بودند، همان سفر خانوادگی که ماهان ستاره و همسرش هم خودشان را رساندند؛ آخرین خاطرات، آخرین خنده‌ها. ماهان و همسرش قرار بود بعد از تمام شدن سربازی، جشن ازدواج بگیرند. مثل امیرعلی و نامزدش مرجان که منتظر بود آذرماه ۱۴۰۴ برسد، سربازی تمام و

زندگی‌شان آغاز شود. «چرا همه سربازهای زندان را آماده‌باش آنجا نگه داشتند؟ از دست سرباز که کاری بر نمی‌آید. این سوال در دل همه این خانواده‌ها مانده است. اسرائیل در ساعتی این جنایت را انجام داد که تعداد زیادی مراجعه‌کننده آنجا بود و هیچ پاسخی برای آن نیست. اگر کسی بخواهد از این جنایت حمایت کند، پاسخی برای آن ندارد. به چه می‌خواستند برسند؟ سرباز و مراجعه‌کننده به ناحق‌ترین شکل ممکن شهید شدند.» بعد از حمله به زندان، خبری درباره اطلاع داشتن رئیس زندان از حمله به زندان منتشر می‌شود اما همان‌روز تکذیب می‌شود. «من هیچ تلخی از او ندیدم. هر چه به‌یاد می‌آوریم لیخند اوست. رفاقت‌اش با پدرومادرش خیلی عمیق بود. امیرعلی از سن اش فهمیده‌تر بود؛ در کاسبی، دوستی و خانواده‌اش. حرف‌هایی که بعد از حمله پخش شده بود، درباره اینکه از قبل حمله اطلاع داده شده بود، دل خانواده‌ها را خون کرد. اگر از قبل اطلاع‌رسانی شده بود، باید به‌شکل دیگری رفتار می‌شد. آن خانواده بعد از داغ‌فرزندش به‌سختی می‌تواند سرپا شود و ادامه دهد. گله‌ای از امدادگران نیست، اما آنجاستاد مدیریت بحران نبود که یک‌نفر به‌عنوان مسئول، پاسخگو باشد. ساعت‌های اولی که آنجا بودیم، خیلی از خانواده‌ها می‌گفتند یک لیست به ما بدهید که بدانیم عزیزمان از اینجا بیرون برده شده یا نه؟ اما بعد از تشییع، عزت و احترام زیادی گذاشتندو کارها با روال خوبی پیش رفت.» بعد از پیدا شدن پیکرها، هماهنگی‌هایی برای دفن امیرعلی در نفرش انجام شد، اما به خواست مادرش در قطعه ۴۲ به خاک سپرده شد. امیرعلی بعد از شهادت در همان محله کودکی‌اش، خیابان شاپور، از سمت خانه پدر بزرگش به سمت حسینیه تفرشی‌ها تشییع شد و بعد برای خاکسپاری به بهشت زهرا رسید. امیرعلی در خیابان چراغ‌برقی یک مغازه لوازم بدکی داشت و قرار بود یکم مردادماه تولدش را جشن بگیرد و بعد از پایان خدمت‌اش با نامزدش- مرجان- ازدواج کند. دختر جوان ولی حالا هرروز، با امیرعلی در بهشت زهرا دیدار می‌کند. او خبر را وقتی شنید که در راه برگشتن از شمال به تهران بود و وقتی اینترنت وصل شد، تصویری از سردر منفجرشده با موشک زندان اوین را دید. همه می‌گفتند نگران نباشد فقط سردر آسیب دیده ولی اومی‌گفت: «هم امیر دژبان است، کنار سردر می‌ایستد.» دوستان امیرعلی به اومی‌گفتند که اطراف زندان نرود، خودشان به او خبر می‌دهند. تا اینکه مه‌ران خبر را به او داد: «برادرم رفت.»

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور- اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اصفهان- اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک غرب اصفهان	
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی	
برابر آرا صادره هیات‌های موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی منطقه غرب اصفهان تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضیان محرز گردیده است لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. ردیف-۱ برابر رای شماره ۴۸۲۲ مورخ ۱۳۸۷/۰۳/۱۴ هیات سوم مالکیت خانم زهره زاهدی زنانی به شماره شناسنامه ۲۸۴ کد ملی ۱۳۹۵۸۸۲۴۰ فرزند عبدالرحیم در شش دانگ یک باب ساختمان مسکونی به مساحت ۵۴/۵۴ مترمربع پلاک شماره ۷۱۶ فرعی از ۱۹ اصلی واقع در اصفهان بخش ۱۴ حوزه ثبت ملک غرب اصفهان ثبت در دفتر املاک تایید و محرز گردیده است. ردیف-۲ برابر رای شماره ۳۹۸۳ مورخ ۱۳۸۷/۰۳/۱۴ هیات سوم مالکیت خانم زهره زاهدی زنانی به شماره شناسنامه ۲۸۴ کد ملی ۱۳۹۵۸۸۲۴۰ فرزند عبدالرحیم در شش دانگ یک باب ساختمان مسکونی به مساحت ۲۲/۲۴۸ مترمربع پلاک شماره ۷۱۶ فرعی از ۱۹ اصلی واقع در اصفهان بخش ۱۴ حوزه ثبت ملک غرب اصفهان ثبت در دفتر املاک تایید و محرز گردیده است. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۴/۲۲ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۵/۶	
شناسه آگهی: ۱۹۶۲۰۲۴	

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور- اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اصفهان- اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک غرب اصفهان	
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی	
برابر آرا صادره هیات‌های موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی منطقه غرب اصفهان تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضیان محرز گردیده است لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماهه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. ردیف-۱ برابر رای شماره ۱۳۶۷ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۸ هیات چهارم مالکیت آقای احمد جمشیدی افارانی به شماره شناسنامه ۱۱ کد ملی ۱۳۹۵۸۹۶۱۱ صادره از اصفهان فرزند محمود نسبت به سه دانگ مشاع از شش دانگ یک باب مغازه به استثنای بهای ثمنیه اعیانی به مساحت ۷۹/۲۷ مترمربع پلاک شماره ۸۱ و ۸۲ فرعی از ۲۷ اصلی که به پلاک ۱۳۶۷ تبدیل گردید گردیده است. ردیف -۲ برابر رای شماره ۴۷۹۱ مورخ ۱۳۸۷/۰۳/۱۴ هیات چهارم مالکیت خانم مریم سلطانی آقارانی به شماره شناسنامه ۴۳ کد ملی ۱۳۹۵۸۶۹۵۵ صادره از اصفهان فرزند عبداله نسبت به سه دانگ مشاع از شش دانگ یک باب مغازه به استثنای بهای ثمنیه اعیانی به مساحت ۷۹/۲۷ مترمربع پلاک شماره ۸۲ و ۸۲ فرعی از ۱۷ اصلی که به پلاک ۲۷/۱۹۵ تبدیل گردید واقع در اصفهان بخش ۱۴ حوزه ثبت ملک غرب اصفهان از مالکیت جعفر رضایی برزانی فرزند غلامعلی تایید و محرز گردیده است. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۴/۲۲ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۵/۶	
شناسه آگهی: ۱۹۶۲۰۷۲	

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور- اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اصفهان- اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک غرب اصفهان	
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی	
برابر آرا صادره هیات‌های موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی منطقه غرب اصفهان تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضیان محرز گردیده است لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماهه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. ردیف-۱ برابر رای شماره ۱۳۶۷ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۸ هیات چهارم مالکیت آقای احمد جمشیدی افارانی به شماره شناسنامه ۱۱ کد ملی ۱۳۹۵۸۹۶۱۱ صادره از اصفهان فرزند محمود نسبت به سه دانگ مشاع از شش دانگ یک باب مغازه به استثنای بهای ثمنیه اعیانی به مساحت ۷۹/۲۷ مترمربع پلاک شماره ۸۱ و ۸۲ فرعی از ۱۷ اصلی که به پلاک ۲۷/۱۹۵ تبدیل گردید واقع در اصفهان بخش ۱۴ حوزه ثبت ملک غرب اصفهان از مالکیت جعفر رضایی برزانی فرزند غلامعلی تایید و محرز گردیده است. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۴/۲۲ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۵/۶	
شناسه آگهی: ۱۹۶۲۰۷۲	

مناقصه عمومی دو مرحله‌ای با ارزیابی کیفی

موضوع مناقصه: خرید ۱۵۲۰ دستگاه انواع کلید اتوماتیک هوشمند

دستگاه مناقصه گزار و آدرس: شرکت توزیع نیروی برق تبریز واقع در تبریز کوی ولیعصر، خیابان نظامی، اول خیابان قطران، شرکت توزیع نیروی برق تبریز

مدت زمان تحویل: ۲۰ ماه

مهلت دریافت اسناد از طریق سامانه ستاد ایران: از تاریخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۲ لغایت ۱۴۰۴/۰۴/۲۸

مهلت بارگذاری پیشنهادات در سامانه ستاد: پیشنهاد دهندگان می‌بایست ضمن بارگذاری اسناد ارزیابی کیفی و کلیه مدارک پاکات الف، ب و ج در سامانه ستاد تا ساعت:۰۵:۱۳ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۰۵، نسبت به ارسال اصل پاکت الف به صورت لاک و مهر شده ظرف همان مهلت به دبیرخانه اینشرکت اقدام نمایند.

تذکر: به پیشنهادهای فاقد امضا، مشروط، مخدوش و پیشنهاد هائی که بعد از انقضامدت مقرر در فراخوان واصل می‌شود، مطلقا ترتیب اثر داده نخواهد شد.

مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: برابر ۰۰۰ ۳۵۰ ۹۷۶۹۷۹ ریال بده بول و پیشنهاد های فاقد تضمین، تضمین مخدوش، تضمین کمتر از میزان مقرر بلاثر می‌باشند.

شرایط خاص برای ورود به ارزیابی کیفی و مناقصه: داشتن گواهی مطابقت با استاندارد تولید یا تایپ تست معتبر (از آزمایشگاه های معتبر)

ساعت، تاریخ و محل افتتاح اسناد ارزیابی کیفی: ساعت ۰۸:۰۵ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۲ طبقه ششم (سالن جلسات)

زمان و محل افتتاح پاکتهای الف و ب به شرط کسب حداقل امتیاز لازم (حداقل ۶۵) از ارزیابی کیفی: ساعت ۰۸:۰۵ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۵ طبقه ششم (سالن جلسات)

کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهادات مناقصه گران و بازگشایی پاکتها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به

آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای

الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج بوده و سایت های زیر جهت اطلاع رسانی اعلام می گردند:	
پایگاه مناقصات کشور http:// lets.mporg.ir و سایت معاملات شرکت توانیر www.tavanir.org.ir و سایت شرکت توزیع برق تبریز www.toztab.ir	

شناسه آگهی: ۱۹۶۲۰۵۵

خبر سازان

۱۴۰ زن شهید شدند

مجتبی قاسمی، مشاور ویژه رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران گفته، درباره تعداد جانبازان جنگ ۱۲ روزه آمار دقیقی هنوز وجود ندارد، اما حدود پنج هزار و ۶۰۰ نفر تعداد مراجعانی بودند که به بیمارستان‌ها مراجعه کردند که اکثر قریب به اتفاق آنان معالجه سریایی شدند و حدود ۷۰ نفر از مجروحان جنگ به دلیل وخامت اوضاع در بیمارستان‌ها بستری اند. به گزارش ایلنا، قاسمی گفته که در جریان جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، بیش از یک هزار شهید که فرآیند احراز آنها در حال انجام است، تقدیم انقلاب شده است: «بیش از ۱۴۰ شهید زن در این جنگ ۱۲ روزه داشتیم، تعدادی از کودکان هم در طول جنگ ۱۲ روزه با رژیم صهیونیستی شهید شدند و در میان شهدا کودک دوماهه، یک و دوساله و تعداد زیادی از کودکان زیر ۱۰ سال به شهادت رسیدند؛ بعضی از شهدای تجاوز رژیم صهیونیستی حتی به مدرسه نرفته بودند یا دبستانی بودند.»

مشاور ویژه رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران گفت: «پس از اینکه فرآیند احراز و تطبیق مصداق ایثارگری مجروحان جنگ تحمیلی ۱۲ روزه به عمل آید، از طریق مراجع قانونی و ستاد کل نیروهای مسلح، مراحل تعیین جانبازی بر اساس آیین نامه مربوطه طی خواهد شد.»